

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadrakumar».
منبع و تاریخ نشر: اندیا پانچیلا «2025-11-06».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

با تغییر مسیر طرح غزه، افسردگی هند در غرب آسیا عمیق‌تر می‌شود

*India's West Asian blues deepen as Gaza
Plan shifts gear*



اوتوبوس حامل فلسطینی‌های آزاد شده از زندان‌های اسرائیل، در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵، در بیرون بیمارستان ناصر، نوار غزه، مورد استقبال جمعیتی قرار گرفته است.

سفر شبانه **گیدئون سحر**، وزیر امور خارجه اسرائیل، به هند، در عمل بسیار کمحجم بوده است. اگرچه این اولین سفر او به هند به عنوان وزیر امور خارجه بوده است، و علیرغم رویکرد «عملی» نخست وزیر نارندرا مودی به روابط هند و اسرائیل که در طول سال‌های قدرت او در «۱۱» سال گذشته شاهد افزایش چشمگیری بوده است، جای تعجب است که نخست وزیر از او استقبال نکرد. یک توضیح قابل قبول می‌تواند این باشد که نخست وزیر با انتخابات ایالتی مهم در بیهار، که به طور سنتی در سیاست ملی هند یک عامل تعیین کننده بوده است، سر خود را شلوغ کرده است. آیا سفر **سحر** نمی‌توانست به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که ملاقات با نخست وزیر امکان پذیر باشد؟ تنها توضیح این است که مشورت این مقام اسرائیلی با عجله ترتیب داده شده بود. چه اتفاقی افتاد که **سحر** با چنین عجله‌ای ناشایست به دهلی شتافت؟ هر چه بیشتر در طول این سفر دقیق شویم، بیشتر به نظر می‌رسد که **سحر** واقعاً برای بحث در مورد وضعیت غزه آمده است، حتی در حالی که الگوی مهم مرحله دوم طرح صلح غزه در مورد استقرار نیروی بین‌المللی در حال نزدیک شدن است.

در بیانیه وزارت امور خارجه هند آمده است: «**سحر**، وزیر امور خارجه، دیدگاه‌ها و نظرات اسرائیل را در مورد تحولات غرب آسیا و خلیج فارس به اشتراک گذاشت. وزیر امور خارجه هند حمایت هند از طرح صلح غزه را ابراز کرد، از بازگشت گروگان‌ها استقبال کرد و ابراز امیدواری کرد که طرح صلح راه را برای یک راه حل پایدار و بادوام هموار کند.» شاید برای بررسی عمیق‌تر، به کمی کار کارشناسی نیاز باشد. مطمئناً، دهلی از اقدام واشنگتن برای ارائه پیش‌نویس قطعنامه سازمان ملل در شورای امنیت که به دنبال مجوز ایجاد یک نیروی امنیتی بین‌المللی (ISF) برای غزه است، آگاه است.

طبق گزارش اکسیوس، که سند مربوطه را مشاهده کرده است، مدت زمان ISF دو سال با امکان تمدید است. نیروهای امنیتی اسرائیل (ISF) مأموریت حفظ صلح انجام خواهند داد، بلکه بر تضمین امنیت بخش مرزی تمرکز خواهند کرد و اسرائیل و مصر از جمعیت غزه و کریدورهای بشردوستانه محافظت می‌کنند و همچنین نیروهای پلیس جدید فلسطین را آماده خواهند کرد.

مأموریت نیروهای امنیتی اسرائیل همچنین شامل خلع سلاح حماس است که البته حساس‌ترین کار در کل مأموریت آن است. طبق پیش‌نویس قطعنامه ایالات متحده، از نیروهای امنیتی اسرائیل انتظار می‌رود که با غیرنظامی کردن منطقه، از جمله از طریق تخریب و جلوگیری از بازسازی زیرساخت‌های نظامی، تروریستی و تهاجمی، و همچنین جلوگیری از تأمین سلاح برای تشکل‌های مسلح ناپایدار، وضعیت بخش غزه را تثبیت کنند. در مجموع، این یک مأموریت پیشگیرانه با تفاوت‌هایی است که عملکرد آن برای امنیت اسرائیل و دوام طرح غزه حیاتی خواهد بود.

اکسیوس به نقل از یک مقام آمریکایی که نامش فاش نشده گزارش داد که استقرار اولین واحدهای نیروهای امنیتی اسرائیل در بخش غزه در ژانویه برنامه‌ریزی شده است.

نیروهای امنیتی اسرائیل مأموریت خود را تحت یک فرماندهی واحد، "با همکاری نزدیک و مشورت با نمایندگان مصر و اسرائیل" انجام خواهند داد.

اکنون نوبت به لبه‌ی تیز ماجرا می‌رسد

طبق گزارش‌های Ynet و Guardian، کشورهایی که نیروهایشان به نیروهای امنیتی عراق تحت فرماندهی مشترک مصر ملحق خواهند شد، می‌توانند شامل نیروهایی از آذربایجان، اندونزی، ترکیه و پاکستان باشند. بر این اساس، همه این کشورها در کنفرانس اخیر استانبول که به میزبانی ترکیه برای بحث در مورد وضعیت غزه برگزار شد، شرکت کردند.

انتظار می‌رود بحث شورای امنیت در مورد پیش‌نویس ایالات متحده در آینده نزدیک آغاز شود. ترامپ عجله دارد تا شورای صلح پیشنهادی را با خود به عنوان نایب‌السلطنه و با اختیارات کامل برای هماهنگی روند بازسازی و مدیریت سرزمین‌های ویران شده در غزه مطابق با یک طرح جامع، آغاز کند. البته، اسرائیل کاملاً با طرح استقرار نیروهای امنیتی اسرائیل در غزه موافق نیست. از سوی دیگر، همانطور که انتظار می‌رود، حماس به استقرار زودهنگام نیروهای امنیتی اسرائیل علاقه مند است، به این امید که این امر مانعی بر اشغال اسرائیل نباشد.

طبق گزارش «خبر فوری» Ynet، وب‌سایت خبری اسرائیلی و رسانه آنلاین روزنامه یدیعوت آحارانوت، مقامات وزارت دفاع اسرائیل یک هفته پیش در جریان یک جلسه توجیهی پشت درهای بسته برای اعضای کمیته امور خارجه و دفاع **کنست**، افشاگری تکان‌دهنده‌ای در مورد شمول پاکستان در نیروهای امنیتی اسرائیل انجام دادند. در تفسیری اخیر، واینت ارزیابی کرد که «نکته مهم این است که ایالات متحده به دنبال قطعنامه شورای امنیت نیست - قطعاً نه تحت فصل هفتم که استفاده از زور را مجاز می‌داند - بلکه به دنبال سندی با کلمات مبهم است که به شورا اجازه دهد از تشکیل یک نیروی تثبیت‌کننده حمایت و تأیید خود را ارائه دهد. این نیرو توسط ایالات متحده با هماهنگی کشورهای عربی و مسلمان تأسیس خواهد شد... به نظر می‌رسد در حال حاضر هیچ عنصری که از دیدگاه اسرائیل اساساً مشکل‌ساز باشد وجود ندارد - به جز یک مورد: بندی مربوط به خلع سلاح حماس و سایر گروه‌های تروریستی مستقر در غزه.»

سفر عجولانه وزیر **سعر** به دهلی را می‌توان در این چشم‌انداز قرار داد. او می‌توانست دهلی را حساس کند که اسرائیل در موقعیتی نیست که ترکیب ارتش اسرائیل را دیکته کند. جالب اینجا است که تنها دیدار دیگری که **سعر** در دهلی داشت با آجیت دووال، مشاور امنیت ملی، و دست‌نشانده هند در پاکستان بود.

پاکستان از حمایت قوی عربستان سعودی برخوردار است که اکنون با یک پیمان دفاعی به طور جدایی‌ناپذیری با آن پیوند خورده است. در هر صورت، ایالات متحده در

اینجا در موقعیت محرکه قرار دارد و ترامپ برای ایفای نقش رهبری به ترکیه تکیه کرده است، و ترکیه روابط بسیار دوستانه‌ای با پاکستان (و روابط نسبتاً غیردوستانه‌ای با دهلی) دارد.

پیش از این گزارش شده بود که ترامپ از تحسین کنندگان **فیلد مارشال عاصم منیر** پاکستان است و حتی برخی گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای مبنی بر نقش پاکستان در ثبات غزه از قبل در مذاکرات بین دو دولت‌مرد وجود داشته است. در نهایت، گنجاندن پاکستان در نیروهای امنیتی اسرائیل (ISF) تایید ترامپ را به همراه دارد. و اکنون برای دهلی یا هر پایتخت جهانی دیگری، انجام هر کاری در این مورد، کار دشواری خواهد بود.

در واقع، اسرائیل با هرگونه مشارکت سازمان ملل مخالف است، که از آن بیم دارد بر قوانین تعامل ارتش خود در غزه تأثیر بگذارد. اسرائیل دلیلی برای نگرانی دارد که اتکا به سازمان ملل به عنوان منبع اقتدار برای ایجاد نیروی ثبات و هیئت صلح، که می‌تواند به سازمان ملل نفوذ بر زبان ماموریت و قوانین تعامل اعطا شده به این نیرو را بدهد.

این یازدهمین ساعت مانده به آماده شدن نسخه نهایی سند ایالات متحده و درخواست مجوز شورای امنیت است که جزئیات کشورهایی را که ISF را تشکیل می‌دهند، مشخص می‌کند. اسرائیل روی هند حساب می‌کند تا تمام تلاش خود را برای جلوگیری از ورود پاکستان به ارتش اسرائیل انجام دهد.

نقش روسیه به عنوان عضو دائم شورای امنیت در این زمینه مهم می‌شود. اما از سوی دیگر، پاکستان شریک فعالی در ابتکارات روسیه در شورای امنیت با هدف مهار اسرائیل در جنگ ویرانگر غزه بوده است.

همچنین، روسیه باید موضع چین را که تقریباً به طور معمول در سال‌های اخیر در سازمان ملل با آن هماهنگ می‌شود، در نظر بگیرد. بسیار بعید است که چین در کنار گذاشتن پاکستان باشد.

نکته این است که، اگرچه هند اسلام آباد را به عنوان قهرمان تروریسم بین‌المللی بدنام می‌کند، اما پاکستان اتفاقاً عضو غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد برای دوره 2025-2026 نیز هست و به عنوان رئیس کمیته تحریم‌های 1988 (طالبان) شورای امنیت سازمان ملل متحد برای سال 2025 و نایب رئیس کمیته مبارزه با تروریسم 1373 شورای امنیت سازمان ملل متحد برای سال 2025، به همراه روسیه و فرانسه، منصوب شده است.

علاوه بر همه اینها، پاکستان دارای یک ارتش بسیار منظم و حرفه‌ای است که از اعتبار بین‌المللی، به ویژه در منطقه خاورمیانه، برخوردار است و قادر است در مأموریت غزه که مملو از چالش‌های امنیتی بزرگ است، به طور حرفه‌ای کار بزرگی انجام دهد.

باک «جمعی» در دفتر بیضی شکل متوقف می‌شود

دهلی باید نگران باشد که مسئولیت همه چیز به دفتر بیضی شکل کاخ سفید ختم شود. در واقع، با تمام تحقیرها و تلخی‌هایی که هند در ماه‌های اخیر از سوی مقامات آمریکایی در مورد واردات نفت از روسیه متحمل شده است، انتظار زیادی است که نخست وزیر از ترامپ درخواست لطف کند، چیزی که بنیا مین نتانیا هو، نخست وزیر، در شرایط بهتر انتظار داشت. دهلی همچنین باید مراقب باشد که ترامپ از فرصت استفاده نکند و پیشنهاد میانجیگری در مورد مسائل هند و پاکستان را مطرح نکند.

این باعث می‌شود که وزیر امور خارجه هند (EAM) با همتای آمریکایی خود، مارکو روبیو، که در حال حاضر ستاره‌ای در حال ظهور در دستگاه سیاست‌گذاری ترامپ است، درگیر شود. وزیر امور خارجه هند بارها و بارها با روبیو ملاقات کرده است. آخرین دیدار آنها فقط یک هفته پیش در مالزی بود.

اما حتی در اینجا، روبیو محدودیت‌های خود را دارد و وقتی ترامپ مستقیماً درگیر می‌شود. در این مورد، ترامپ نقشی برای خود در تحولات آینده غزه دارد. اگر وضعیت امنیتی غزه در ماه‌های آینده به دلیل بی‌کفایتی ارتش اسرائیل بحرانی شود، اعتبار ترامپ در سطح بین‌المللی خدشه دار خواهد شد.

اشتباه نکنید، استقرار ارتش اسرائیل برای مدت طولانی خواهد بود. و اگر حضور نظامی گسترده پاکستان در غزه، که فاصله چندانی با تل‌آویو ندارد، در نهایت به نوعی رابطه اسرائیل و پاکستان تبدیل شود، تعجب نکنید. حداقل، با توجه به محوریتی که تل‌آویو برای فضای امنیتی غزه قائل است، که در واقع یک مسئله وجودی برای اسرائیل است، یک رابطه کاری صمیمانه بین نهادهای نظامی دو کشور به یک ضرورت عملیاتی تبدیل خواهد شد.

دیپلماسی اسرائیل در مدیریت چنین موقعیت‌های دشواری بسیار عمل‌گرا و ماهر است. مطمئناً، این واقعیت که اسرائیل هیچ رابطه دیپلماتیکی با پاکستان ندارد، مانع از پرورش نیروهای پاکستانی در ارتش اسرائیل پس از شروع درگیری نخواهد شد. و اسرائیل در این زمینه همتای مشابیهی به نام **فیلد مارشال منیر** دارد.

ترامپ فقط از یک «عادی‌سازی» غیررسمی بین اسلام‌آباد و تل‌آویو خوشحال خواهد شد. چه کسی می‌داند، اگر اوضاع خوب پیش برود، استیو ویتکوف و جارد کوشنر ممکن

است روزی در راولپندی ظاهر شوند و طبق دستورالعمل‌های ترامپ، توافق‌نامه‌های رو
به زوال ابراهیم را احیا کنند.

با تقدیم احترام «2025-11-09»

.....